

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۳۰ دسمبر ۲۰۲۳

حمید انوری

کورس الحاکم

درس و هم

استاد سخن: محمد آصف فقیری

شاگرد غبی: خودم

لنگ لنگان با دوچشم گریان بازهم کارخانگی استاد را باید انجام داد، ورنه همان سه و نیم (۳,۵) نمره کامیابی را نیز "استاد سخن" از ما دریغ خواهد کرد و چار ناچار همان صنف چهارم ابتدائی را یک سال دیگر در این سن و سال تکرار باید کرد و همین کارخانگی های متواتر و یک نواخت ادامه خواهد یافت و بگفته بزرگان "همان آش خواهد بود و همان کاسه".

البته این شاگرد غبی و مکتب گریز و تنبل، طی همین دروس صنف چهارم ابتدائی، آنقدر آش شور و نیم پخته از دست مبارک "استاد معظم، مکرّم، مفخّم، منظم محترم"، زهرمار کرده ام که دیگر حتی دیدند و خیره شدن به هرچه آش است، حالم را برهم میزند و حتی عطر آش که همیشه سخت گوارا بوده است و اشتها آور، باعث دل بدی و سر چرخی این شاگرد غبی میگردد و حاضرم یک توته نان قاق و یک پیاله چای شیرین را با رغبت تمام نوش جان کنم و آش دستپخت "استاد" را در زباله دانی بریزم و حتی به سگ خانه هم ندهم، چون سگ خود را بسیار دوست دارم و هرگز حاضر نیستم چیزی را که به خود نمی پسندم، به آن سگ وفادار و دوست داشتنی هم بدهم.

اگر دوستانی میگویند من مبالغه میکنم و اغراق، پس بیائید همین درس دهم را باهم از نظر بگذرانیم و قضاوت آش نیم پخته و نیم خام و شور و چرب با دوستان که رغبتی به نوش جان نمودن آن میکنند یا خیر. این شما و این هم آش نیم خام و نیم پخته و نیم سوخته "استاد معظم":

مقاله، و هم - درس و هم

[محمد آصف فقیری ۱۷/۱۲/۲۰۲۳]

هستی ما مظهر اراده (اراده) خداوند!

جدی بگیریم، آنچه بایدن رئیس جمهور امریکا در مورد افغانستان (افغانستان) گفت: این مردم نفرین شده اند که متحد نمی شوند ...

شرح مطلب: (اول هرگاه این سخنان را بایدن گفته باشد، باید منبع آن نیز ذکر میگردید. دوم هم اینکه این سخنان بسیار صاف و روشن و واضح و پوست کنده است و ضرورتی به شرح مطلب ندارد.) اینکه در امر شر و خیر نیروی عمل ما، از جانب حق است که داده شده برای ما، و اینجاست وجودی ما در حالات حیوانی و انسانی، محک اراده (اراده) ما بسوی منفور (مردود) و مقبول شدن حق، که بارها شاهد این بوده ام، چون عده (عده) بخاطر صد دالر امریکای (امریکائی) تذکره (تذکره) خود را به کاندیت (کاندید) (این موضوع بیشتر ارتباط با شکم گرسنه داشت، نه دین و مذهب) های پارلمانی می دادند. و یا اینکه اکثریت به منظور کامیاب شدن فرد (فردی) که از سمت و زبان شان است منشاء انتخابات در افغانستان (افغانستان) بود. با این حال در مقدم شناسای جهل، (مقدمه شناسی) عمق قدم دانایی ماست که جمهوریت را شرف و فضیلت لازم، زیرا ماکیاولی در فقدان یا در عدم رسیدن به شرف جمهوریت حالتی را استنتاج کرده که جمهوریت در این حالت (!؟): اعضاء (اعضای) جامعه یکدیگر شان را نیست می کنند (!؟) (استاد هنوز قدمی از مکتب ماکیاولی فراتر نگذاشته اند). مثلاً افغانستان (افغانستان) بعد ۱۹۹۲ و بعد ۲۰۱۴ که قطعاً عدم ایده های ملی و سیر ملت سازی به گونه (گونه) سازماندهی شده در جامعه ما سلب می شود. اینرا بارها گفته ام، آنان که در تضاد طالبان اند اکنون روی اهداف دست یافتنی به وحدت برسند، تغییر بسوی تعامل در سیاست های طالبان پدیدار می شود. زیرا گروه حاکم با کشوری توده ای (توده ئی- کشور غیر توده ئی کدامها اند؟) روبروست که پدیداری دیکتاتوری از جهل جامعه است، و پاسخگو کردن قدرت و پدیداری عدالت اجتماعی ریشه در سرشت مقبول نه نفرین انسانی ریشه دارد، همانا آزادی... و آزادی خود سعادت نیست وسیله به سعادت است یعنی حاکمیت قانون (!؟)، که روح حاکمیت قانون آگاهی مردم از حقوق بنیادین شان که وجه مشترک آن یا خرد جمعی را حاکمیت ملی گفت، و سیر حاکمیت فردی تا مردمی تا ملی فقط با نیروی آگاهی اندیشه دست یافتنی بوده و فرهنگ مطالعه از یافته های تحقیق، برق آسای سیر حاکمیت فردی به ملی است. (یک فیلسوف مانند "استاد سخن" ضرورت است تا خود تشریف آورده و مرام و مقصد و هدف خود از چنین جمله مغلق و پیچیده را خود با زبان ساده و عام فهم بیان دارند.)

یادداشت شاگرد غبی: این شاگرد غبی و هیچمدان و کند ذهن دانسته نشدم که "استاد سخن" چگونه ما را می آزمایند. این کمسواد دانسته نشدم که ارتباط عنوان با متن چه است و "استاد" تلاش اثبات کدام معمای ریاضی را داشته اند. بگفته بزرگان "اگر این مکتب است و این ملا، حال طفلان خراب می بینم."

به گمانم بعد از سقراط و افلاتون و ارسطو، می شود "استاد سخن" را در فلسفه درجه چهارم داد، البته اگر "استاد معظم" خفه نشده و آنرا توهین به شخصیتِ شخیص خود ندانند. نظر به اینکه "استاد سخن" از آسمانها گز میکنند و این کمترین در صنف چهارم "کورس اکابر" در روی زمین دست و پا میزنم، رسیدن من به "استاد معظم"، از ناممکنات است و با این سرعت که ایشان طی طریق میفرمایند، این شاگرد غبی حتی نمی توانم در "خم یک کوچه" باشم، پس نظر به علاقه یکی دو هموطن که با وقفه ها این دروس را دنبال میکنند، منبعد نظر به تقاضای زمان؛ از آخرین درس "استاد سخن"، دروس خود را دنبال خواهم کرد و آهسته آهسته عقب خواهم رفت، تا "بدانجا رسم که بدانم همی که نادانم". "استاد" زنده و صحبت باقی.

درس یازدهم به زودی...